

21 اکتوبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

تأملی در زوایای تاریک تاریخ معاصر کشور: چرا داکتر محمد یوسف از صدارت استعفی کرد؟

(بخش اول)

برای درک بهتر موضوع لازم است تا نگاهی به رویدادهایی انداخته شود که پنجاه و پنج سال قبل مصادف به همین روزهای اخیر ماه میزان و اوایل ماه عقرب سال 1344 در کشور بوقوع پیوست و تحولات مهم بعدی را در قبال داشت. بحث را به جواب این سؤال که داکتر محمد یوسف کی بود و چگونه به مقام صدارت افغانستان رسید با ذکر بعضی رویداد مهم آن دوره آغاز کرده و در ادامه علل استعفی او را از آن مقام در یک مرحله حساس و مهم تاریخی با نقل قول از زبان خودش تقدیم میدارم و در اخیر پیرامون بیانات موصوف تبصره هایی کوتاه خواهم داشت:

نگاهی به زندگینامه داکتر محمد یوسف:

محمد یوسف پسر محمد حسن خان بتاریخ اول دلو 1295 (21 جنوری 1917) در شهر کابل در یک فامیل متوسط الحال چشم دنیا گشود و تعلیمات ابتدائی و ثانوی را در لیسه امانی (بعدا "نجات" به پایان رسانید و به حیث شاگرد ممتاز بعد از فراغت از مکتب جهت تحصیلات عالی به جرمنی اعزام و در پوهنتون های مونشن و گیوتنگن آن کشور به تحصیل پرداخت و در رشته فزیک موفق به اخذ درجه "دوکتورا" گردید. بعد برگشت به وطن در پوهنخی ساینس پوهنتون کابل نخست به حیث استاد و سپس در سال 1323 (1944) به حیث رئیس آن مقرر شد؛ در سال 1327 (1948) به ریاست تدریسات مسلکی وزارت معارف و متعاقباً به حیث معین آن وزارت و در سال 1351 به حیث رئیس امور فرهنگی افغانستان در اروپا ایفای خدمت کرد. داکتر محمد یوسف از سال 1332 تا 1342 (1953 - 1963) مدت ده سال را در کابینه محمد داؤد به حیث وزیر معادن و صنایع مصدر خدمات مهم و با ارزش گردید.



پس از استعفای محمد داؤد از مقام صدارت بتاریخ 19 حوت 1341 (10 مارچ 1963) اعلیحضرت محمد ظاهر شاه او را به تشکیل کابینه مؤظف ساخت و اولین شخصیت غیر خاندانی بود که به این مقام نایل آمد. داکتر محمد یوسف در این مقام بر علاوه امور یومیه به انجام دو وظیفه مهم مأمور شد: یکی بهبود روابط

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

سیاسی با پاکستان و دیگر تدوین قانون اساسی جدید برای افغانستان که جانشین قانون اساسی سال 1310 گردد. دوره صدارت او با اتمام موفقانه دو وظیفه فوق الذکر بطور بسیار دراماتیک بتاريخ 7 عقرب 1344 (29 اکتوبر 1965) با تقدیم استعفای شفاهی بحضور پادشاهی پایان یافت. او طی دوره فوق بر علاوه امور صدارت عهده وزارت خارجه را نیز بدوش داشت و در آرای خدمات خود به دریافت مدال درجه اول معارف و سپس به اخذ نشان "سردار اعلی" از طرف پادشاه افغانستان نایل آمد.

داکتر محمد یوسف پس از استعفی به حیث سفیر کبیر افغانستان در جرمنی از سال 1344 تا 1352 (1966 - 1973) و سپس برای مدت کوتاه به حیث سفیر کبیر در مسکو ایفای خدمت کرد و بعد از کودتای 26 سرطان 1352 و اعلان نظام جمهوری به تقاعد سوق داده شد. او تا هجوم قوای سرخ شوروی و رویکار آمدن ببرک کارمل در کابل بسر برد و اما بعد از آن به کشور جرمنی مهاجر گردید و تا آخر زندگی در آنجا اقامت گزین شد.

داکتر محمد یوسف به حیث یک شخصیت مستقل سیاسی در زمان اشغال افغانستان توسط قوای شوروی و رژیم خلقی - پرچی دست از فعالیت نکشید، نخست در ماه اپریل 1980 به شمول یک تعداد دیگر از نخبگان افغان در جرمنی و به اشتراک سردار عبدالولی داماد شاه در شهر هامبورگ کنفرانسی را برای نجات افغانستان دائر کرد که متأسفانه نتیجه ای از آن حاصل نشد. سپس او به تشکیل یک جمعیت بنام "تحکیم وحدت ملی" پرداخت که تعدادی از نخبگان افغان در آن اشتراک داشتند. او در ماه سنبله 1361 (سپتمبر 1982) به امریکا سفر کرد و اما از این سفر نتیجه محسوس بدست نیامد. سپس وقتی موضوع تشکیل یک حکومت بیطرف در آستانه سقوط رژیم داکتر نجیب مطرح گردید، او به پاکستان رفت تا با دیگر اعضای این گروه در حل معضله کشور دست به اقدام شود که متأسفانه با هجوم قوت‌های تنظیمی به کابل این اقدام نیز ناکام گردید.

داکتر محمد یوسف در 16 ثور 1373 (6 می 1994) در شهر "وسلینگ" در حومه "بن" کشور جرمنی با اشتراک 36 نفر افغان‌های سرشناس در یک گردهمایی اشتراک نمود تا در چهار چوب اقدامات ملل متحد و پلان پنج فقره ای سرمنشی آن مؤسسه که با پلان مطروحه شاه سابق شباهت داشت، با ملاحظه واقعیت های جاری آنوقت در افغانستان و در پرتو راپور محمود مستیری نماینده خاص سرمنشی ملل متحد تصامیمی اتخاذ دارند. اما وقتی "شورای صلح هرات" به پیشنهاد اسمعیل خان والی هرات بتاريخ 29 سرطان 1373 (22 جولای 1994) در شهر هرات دائر گردید، داکتر محمد یوسف با تعدادی از همکاران خود در آن اشتراک نمود و در پای قطعنامه آن شوری امضاء کرد که محتوای آن قطعنامه با مصوبات کنفرانس وسلینگ جرمنی مطابق نداشت. (برای شرح مزید در این مورد دیده شود: کتاب "هرات از قیام حوت تا امروز"، از این قلم، چاپ کالیفورنیا، اکتوبر 2011، صفحه 299 تا 322).

این تغییر موجب بروز سؤالیهای زیاد گردید و بر فعالیت های بعدی داکتر محمد یوسف سایه افگند، تا حدی که بین او و حامیان پادشاه سابق بطور محسوس فاصله ایجاد شد. از آن به بعد داکتر محمد یوسف از فعالیت های سیاسی دست کشید و بیشتر وقت را مصروف امور عادی زندگی شخصی و امور صحی خود ساخت. تا آنکه دست اجل بسراغش آمد و بتاريخ 3 دلو 1376 (23 جنوری 1998) به عمر 81 سالگی در شهر بن جرمنی چشم از جهان پوشید و در همانجا به خاک سپرده شد.

داکتر محمد یوسف شخصیت دانشمند، فعال، وطندوست و آگاه کشور بود که در طول زندگی خود در هر مقامی که قرار داشت، خدمات ارزنده و مهم را به پاکي و صداقت با احساس مسئولیت انجام داد و تا آخرین رمق بفرجات کشور از مصیبت های وارده بود و از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نکرد. روح مرحوم داکتر محمد یوسف یکی از بزرگان تاریخ معاصر کشور شاد و یادش گرامی بادا.

شرح مختصر از رویدادهای بس مهم پنجاه و پنج سال قبل:

طوریکه گفته شد، بعد از استعفی محمد داؤد از صدارت در 19 حوت 1341 (10 مارچ 1963) اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مقام صدارت را به داکتر محمد یوسف وزیر معادن و صنایع در کابینه قبلی تفویض کرد که یکی از مهمترین وظیفه او تدوین مسوده قانون اساسی جدید کشور بود تا جانشین قانون اساسی 1310ش گردد و در آن برطبق ایجابات زمان تحولاتی به میان آید. این مسوده نخست از طرف یک کمیسیون هفت نفری تدوین و پس از غور مجلس وزراء برای تدقیق بیشتر به یک کمیسیون 28 نفری سپرده شد که البته در هر مرحله مواد مسوده با تفاهم پادشاه درج متن میگردید. پس از طی مراحل فوق مسوده قانون اساسی جدید به لویه جرگه متشکل از 454 نفر جهت تصویب ارائه گردید.

(نمایی از لویه جرگه 1343 منعقدہ "سلام خانه")

لویه جرگه بتاريخ 18 سنبله 1343 (9 سپتمبر 1964) در قصر سلامخانه با بیانیه اعلیحضرت افتتاح و داکتر عبدالظاهر به حیث نائب رئیس آن انتخاب شد. در این لویه جرگه چند موضوع بحث برانگیز وجود داشت، از جمله: ماده 24 که اعضای خانواده شاهی از وظایف صدارت، وزارت، عضویت شوری و عضویت در ستره محکمه منع



میکرد. بر علاوه موضوع رسمیت زبان "دری و پشتو" از یکطرف و نقش مذهب حنفی و آزادی قوه قضائیه از طرف دیگر بحث های جدی را در لویه جرگه موجب گردید که بالاخره مواد مطروحه تصویب و در ماده 24 یک فقره دیگر به این زعم که اعضای خانواده شاهی حق ندارند از عضویت درخاندان شاهی انصراف نمایند، ایزاد گردید. قانون اساسی جدید بروز 29 سنبله (20 سپتمبر 1964) از طرف لویه جرگه تصویب و بتاريخ 9 میزان 1343 (اول اکتوبر 1964) توشیح و نافذ شد.

برطبق ماده 125 قانون اساسی دوره بین توشیح و افتتاح شوری که باید در 22 میزان 1344 صورت گیرد، دوره انتقال شمرده شد که در این دوره برعلاوه امور عادی یومیه وظایف مشخصی

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

جهت تطبیق قانون اساسی به حکومت محول گردید، از جمله تجدید نظر بر تشکیلات اداره محل و تقسیم افغانستان به 27 ولایت و نیز تهیه قانون انتخابات، قانون مطبوعات و نیز قانون احزاب که همه باید برطبق فرمان تقنینی نافذ شوند و بعداً در شوری تصویب گردند.

برطبق ماده 42 قانون اساسی قوای مقننه مرکب از دو مجلس بود. اعضای ولسی جرگه تماماً از طرف مردم هر ولایت به تعداد مشخص طبق قانون انتخاب می شدند و اما اعضای مشرانو جرگه یک ثلث آن از هر ولایت یک نفر با انتخاب مردم، ثلث دیگر از هر ولایت یک نفر به انتخاب اعضای شورای ولایتی و ثلث باقیمانده را اعضای انتصابی از طرف پادشاه تشکیل میداد.

کار انتخابات از 4 سنبله 1344 (26 آگست 1965) آغاز و بتاريخ 2 میزان (24 سپتمبر) آن سال به پایان رسید و شوری بتاريخ 22 میزان که مصادف با تولد اعلیحضرت بود، با بیانیه شاه تحت نام "دوره دوازدهم" افتتاح گردید که با این ترتیب برطبق قانون اساسی دوره انتقال پایان یافت و حکومت دوره انتقال باید مستعفی و صدراعظم جدید از طرف شاه توظیف به تشکیل حکومت گردیده و صدراعظم مؤظف باید از ولسی جرگه برطبق قانون اساسی جدید رأی اعتماد بدست می آورد و با این ترتیب دوره عادی قوای اجرائیه آغاز میگردد.



(اعلیحضرت حین توشیح قانون اساسی با یک تعداد از اعضای کمیسیون تدوین و تسوید قانون اساسی)

اعلیحضرت باردیگر داکتر محمد یوسف را به حیث صدراعظم مؤظف به تشکیل کابینه ساخت که باید از ولسی جرگه رأی اعتماد حاصل کند. هنوز لست اعضای کابینه جدید رسماً اعلام نشده بود که افواها در زمینه بلند شد و در ولسی جرگه مباحثاتی بطور آشکار و نهان صورت گرفت که بعضی از اعضا و نیز جناح های سیاسی بر علیه حکومت مؤظف به دلیل موجودیت چند عضو مورد نظر در کابینه جدید به فعالیت آغاز کردند که از همه مهمتر بعضی احزاب غیررسمی در آن اشتراک داشتند، خاصتاً یکی بنام "وحدت ملی" یا "زرنگار" بریاست استاد خلیل الله خلیلی که خود را با شاه

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

نزدیک میدانست و دیگر سه نفر از جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق (ببرک کارمل، انا هیتا راتب زاد و نوراحمد نور) توانستند در ولسی راه پیدا نمایند و موقف خاص حزبی خود را در ولسی جرگه با مخالفت با اعضای محافظه کار و نیمه محافظه کار ابراز میکردند.

در آستانه این مباحثات داکتر عبدالظاهر که به حیث رئیس ولسی جرگه انتخاب شده بود، در یک موقف بین البین قرار داشت و می گفت بگذارید وکلا "دل خود را خالی کنند" و به این ترتیب ابراز نظرها در مورد حکومت آینده برای یک هفته ادامه یافت و با گذشت هر روز فضای مباحثات جهت آمادگی برای جلسه رأی اعتماد برای صدراعظم موظف ضیق تر میگردد، چنانکه استاد خلیلی با دید وادیده‌های خصوصی با بعضی وکلاء این مفکوره را تلقین میکرد که: "اگر به صدراعظم موظف رأی اعتماد ندهید، اعلیحضرت "خفه" نمیشوند". البته در محراق این اختلافات بیشتر سیدقاسم رشتیا (وزیر مالیه دوره قبلی) قرار داشت که مخالفان او از جمله استاد خلیلی خواهان شمول او در کابینه جدید نبودند. این جریان را داکتر محمد یوسف به اطلاع شاه رسانید و از شاه خواست تا برایش اجازه دهد یکبار به تنهائی به شوری رفته و موضوع را مستقیماً با وکلا در میان بگذارد و اگر فضا را نامساعد یافت، او حاضر است خود را از وظیفه جدید کنار بکشد.

دیدار سفیر امریکا با اعلیحضرت:

در خلال جریانات فوق یک رویداد قابل توجه و مهم همانا خواهش دیدار فوری سفیر امریکا با اعلیحضرت بود. رشتیا در کتاب خاطرات خود شرحی دارد مبنی بر خواهش سفیر امریکا از او تا جهت ملاقات با اعلیحضرت وسیله قرار گیرد (اینکه سفیر چرا به رشتیا - وزیر مالیه - جهت وساطت برای اخذ وعده ملاقات با شاه مراجعه کرده بود، یک سؤال است، درحالیکه سفرای کبار طبق معمول میتوانند هر وقت خواسته باشند با رؤسای دولت مستقیماً به تماس شوند). رشتیا موضوع را به اطلاع وزیر دربار علی محمد خان رسانید تا زمینه این ملاقات سفیر را با شاه فراهم سازد و درعین زمان داکتر محمد یوسف صدراعظم موظف را نیز از موضوع آگاه ساخت.

به روز 26 میزان 1344 (18 اکتوبر 1965) رشتیا وقتی وزیر دربار علی محمد خان را در یک دعوت رسمی "سره میاشت" دید و از او راجع به دیدار سفیر امریکا پرسید، وزیر دربار مختصر جریان را بطور خصوصی برای رشتیا چنین گفت: «سفیر امریکا برایم تلفون کرد و خواهش نمود که میخواهد اگر ممکن باشد، همین امروز و یا فردا بحضور اعلیحضرت مشرف گردد. من موضوع را به حضور عرض کردم، فرمودند امروز ساعت هشت شام به او وقت داده شود و ضمناً موضوع ترجمانی را تذکر دادند، عرض کردم که چون مستقیم وقت ملاقات خواسته است، اگر لازم باشد خودم این وظیفه را بدوش میگیرم، موافقه کردند و از موضوع تلفونی به سفیر اطلاع دادم، وقتی به قصر رسید در دهن دروازه تالار پذیرائی برایم گفت که او تا اندازه ای به زبان فرانسه آشنائی دارد و خودش میتواند مطالب خود را به عرض برساند، ضرورت به زحمت من نیست و این را گفته داخل اتاق شد. این خواهش او را بطور مختصر به حضور اعلیحضرت به فارسی عرض کردم که با سر اشاره مثبت نمودند. همان بود که آنها را تنها گذاشتم و ملاقات تقریباً بیست دقیقه دوام کرد. حین خروج وقتی که سفیر در طبقه پائین از اتاق کارم میگذشت، برای مشایعت و وداع او از اتاق خارج شدم...».

رشتیا می افزاید که درباره موضوع ملاقات از وزیر دربار پرسیدم، او در جواب گفت که: «متأسفانه فرصت آنرا نیافتم، زیرا بعد از مرخصی سفیر، اعلیحضرت مرا طلبید و هدایت دادند تا میوندوال را

پیدا کنم و برایش بگویم که بصورت فوری به حضور اعلیحضرت حاضر شود، چنانچه هماندم به منزل او تلفون کردم و امر اعلیحضرت را برایش ابلاغ نمودم و انتظار کشیدم تا او به ارگ رسید. او را تا دوم در همراهی نمود و به اینطرف آمدم تا در دعوت شهزاده اشتراک کنم...»

رشتیا می نویسد: «در ظرف 24 ساعت خبر خواسته شدن میوندوال در تمام شهر پخش گردید...شام روز بعد در دعوتی که ازطرف خودم در رستوران باغ بالا برای جهانگیر تفضلی وزیر اطلاعات سابق ایران ترتیب یافته بود، با میوندوال مواجه شدم، به وقت فرصت او را گوشه کرده درباره افواهاات بازار از او سؤال کردم، اول میخواست انکار کند... بعد دفعتاً سرگپ آمده گفت: "بلی اعلیحضرت بمن فرمودند تا در صورتی که کابینه جدید داکتر محمد یوسف در شوری دچار مشکلات گردد، آمادگی داشته باشم...» (برای شرح مزید دیده شود - رشتیا، سید قاسم: "خاطرات سیاسی..."، چاپ اول، 1997، ورجینیا، صفحه 273 - 277)

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ